

تأملی بر رمان «احضاریه» نوشته علی مؤذنی

# دعوت دل انگیز به سفر کربلا

علی‌الله سلیمی  
نویسنده  
و منتقد ادبی

فرهنگ عاشورا و نقش تأثیرگذار آن در زندگی روزمره مردم کشورمان را نمی‌توان نادیده گرفت. آیین‌های برگرفته از این

فرهنگ معنوی عمیق و ریشه‌دار از یک طرف نشان‌دهنده ارتباط معنوی قوی بین گروه‌های مختلف اجتماعی و باورهای دینی است و از سوی دیگر، تأثیرگذاری مثبت آن در روابط اجتماعی را نشان می‌دهد که در لایه‌های مختلف اجتماع نفوذ کرده است.

بازتابی از این فرهنگ غنی و عاشورایی در زندگی مردم را می‌توان در آثار ادبی خلق شده در سال‌های اخیر دید. مجموعه آثاری که با عنوان «ادبیات آیینی» شناخته می‌شود و شاخه‌های ادبی متعددی را دربرمی‌گیرد. در این میان، ادبیات آیینی در بخش داستان، طی سال‌های اخیر رشد و بالندگی ملموسی داشته و دارد که بخش قابل توجهی از آن مدیون نویسندگان پیشکسوت در این عرصه است. از جمله، علی مؤذنی، داستان‌نویس معاصر که کارنامه نسبتاً پرپیری در حوزه ادبیات آیینی دارد. رمان اخیر این نویسنده با عنوان «احضاریه» درباره آیین عاشورایی پیاده روی اربعین و با محوریت بازخوانی زندگی حضرت زینب(س) است. رمانی که با عنوان «احضاریه» روزنامه نگاری به نام مسعود محبی، یادداشت‌نویس مطبوعات است که با تشویق‌های یکی از دوستانش برای سفر زیارتی مشهد مواجه و همواره آن را به تعویق می‌اندازد. او معتقد است افراد باید برای چنین سفرهای معنوی طلبیده شوند و او هنوز این حس را ندارد. «از بچگی وقتی می‌شنیدم که می‌گفتند قلانی را امام طلبیده، تصور می‌کردم که طرف می‌رود مشهد تا امام مشکل حادی از او را حل کند که معمولاً یا مریضی بود یا بی‌پولی یا بیکاری. بعضی هم بودند البته که قصد سفر می‌کردند به مشهد فقط برای اینکه امام را زیارت کنند و حال خوبی هم داشتند و حالشان هم بعد از برگشتن بهتر می‌شد. من این را از بشاشیت چهره‌شان تشخیص می‌دادم و از عطر گل محمدی که انگار از حال و هوای حرم با خود آورده بودند و از دعایی که بدرفه راه می‌کردند که آن شاءالله امام شما را هم بطلبید. پاسخ مادرم همیشه با آهی همراه بود: «ان شاءالله» (ص ۶)

در ادامه، موضوع پیاده روی اربعین پیش می‌آید که این بار پای خواهر مسعود، عارفه هم به میان کشیده می‌شود. او به خاطر ناامنی‌های کشور عراق با حضور برادرش در پیاده روی اربعین مخالفت می‌کند اما با دیدن یک خواب که مرتبط با حضرت زینب(س) است، نظرش تغییر می‌کند و از برادرش می‌خواهد در مراسم پیاده‌روی اربعین شرکت کند. عارفه همزمان علاقه‌مند می‌شود درباره زندگی و شخصیت حضرت زینب(س) بیشتر بداند و شروع به تحقیق و مطالعه در این زمینه می‌کند.

بخشی از یافته‌های او در قالب یادداشت‌های برادرش منتشر و به این وسیله دانسته‌های او در زمینه زندگی و شخصیت حضرت زینب(س) بیشتر می‌شود. شیوه نوشتاری نویسنده به‌گونه‌ای است که با این مقدمه نسبتاً طولانی که حوادث آن در زمان حال و پیرامون زندگی شخصیت‌های مسعود و عارفه می‌گذرد، به سراغ روایت مستقیم تاریخی درباره زندگی حضرت زینب(س) می‌رود و فصل دوم، از ابتدا تا انتها به این موضوع اختصاص یافته و به نوعی روایت مستقیم از تاریخ است.

زینب پرسید: «اول خندیدی بعد گریه کردی، مادر! برای ما سؤال است که چرا در آن موقعیت بیشتر از آنکه گریه کنی، خندیدی؟»

فاطمه با لب‌های سفید لبخند زد و گفت: «چون خبر دوم، تلخی خبر اول را گرفت. کامم شیرین شد؛ خوشا آنان که از این دنیا زود می‌روند.»

حسن پرسید: «پس ما چه؟»

فاطمه گفت: «هزار سال هم که عمر کنی، چشم برهم‌زدنی بیش نیست، حسن جان!»

حسن پنجه پای مادر را گرفت و گفت: «قسمت بدهم که بمانی؟»

مادر سر تکان داد که نه، گفت: «زینب جان، خوب از این دوبرادرت مواظبت کن!»

و چشمانش را بست. «عاشورا هم مطرح می‌شود. این پیوند روایی به داستان گره و داستان به کمک روایت تاریخی آمده و در بازسازی یک روایت تاریخی در قالب بخشی از یک داستان امروزی نسبتاً موفق عمل کرده است. هرچند این زبان روایی با زبان به کار گرفته شده در فصل‌های دیگر اثر در تضاد است و نوعی دوگانگی در زبان این رمان ایجاد کرده است. نویسنده برای فصل دوم زبانی را انتخاب کرده که در بسیاری موارد زبان بسیار سنگین و ثقیل و مربوط به قرن‌های اولیه تاریخ اسلام است؛ در حالی که در فصل‌های دیگر که به زمان حال مربوط است، زبان تقریباً ساده و گزارش‌گونه‌ای به کار گرفته شده

که البته با حال و هوای آن فصل همخوانی لازم را دارد. متن داستان مؤذنی بیشتر مکالمه است تا دیالوگ و این نکته را نباید فراموش کرد که داستان به هر دو عناصر داستانی؛ دیالوگ و مکالمه به اندازه لازم نیاز دارد، در حالی که در رمان «احضاریه» این قاعده در بخش‌های زیادی از اثر به هم خورده است. دیالوگ تعریف و ویژگی‌های خاص خود را دارد. بیشترین قسمت‌های کتاب اخیر مؤذنی را مکالمه تشکیل می‌دهد. و سه ویژگی دیالوگ که به مخاطب اطلاعات بدهد، شخصیت را معرفی کند و لحن او را نشان دهد، کمتر دیده می‌شود. لحن شخصیت‌های مسعود، عارفه، حاج ناصر و حتی امام حسین(ع) در این رمان، به هم نزدیک است. وقتی نویسنده درباره تاریخ و چیزی که قبلاً اتفاق افتاده حرف می‌زند و این فرم را انتخاب کرده، دو جریان را موازی پیش می‌برد. ساده‌سازی بیش از حد مکالمه هم از دیگر ویژگی‌های این اثر است.

... پیرمرد گفت: «اگر برگشتی و دیدی که خوابم، بیدارم نکن. خلقم به هم می‌ریزد.»

علی خندید و گفت: «خوش باشی!»

زینب را با یک دست بلند کرد، آرام و در هوا چرخاند و بر دوش گذاشت و زیر نگاه پیرمرد که جذب قدرت بازوی علی شده بود، راه افتاد. دورتر که شدند، علی خندان گفت: «بنده خدا!»

زینب گفت: «چقدر بد اخلاق بود!»

علی گفت: «اخلاق او را به بدی یاد کردی و این غیبت است. باید می‌گفتی چرا عصبانی بود.»

زینب گفت: «استغفرالله ربی و اتوب الیه!»

علی گفت: «آفرین دخترم.» (ص ۸۹ و ۹۰)

ظرفیت روایی دیگری که در این داستان از آن بهره گرفته شده، استعاره سفر و داستان است که در ادبیات داستانی تکنیک تأثیرگذاری محسوب می‌شود. به این دلیل که خواننده با یک داستان خسته نمی‌شود. در کنار داستان اصلی مؤذنی که مربوط به مسعود و عارفه و کربلاست، ماجرای حضرت زینب(س) و عاشورا هم مطرح می‌شود. این پیوند روایی به داستان گره و داستان به کمک روایت تاریخی آمده و در بازسازی یک روایت تاریخی در قالب بخشی از یک داستان امروزی نسبتاً موفق عمل کرده

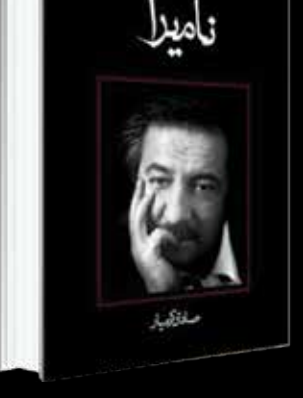
است و نوعی دوگانگی در زبان این رمان ایجاد کرده است. نویسنده برای فصل دوم زبانی را انتخاب کرده که در بسیاری موارد زبان بسیار سنگین و ثقیل و مربوط به قرن‌های اولیه تاریخ اسلام است؛ در حالی که در فصل‌های دیگر که به زمان حال مربوط است، زبان تقریباً ساده و گزارش‌گونه‌ای به کار گرفته شده که البته با حال و هوای آن فصل همخوانی لازم را دارد. متن داستان مؤذنی بیشتر مکالمه است تا دیالوگ و این نکته را نباید فراموش کرد که داستان به هر دو عناصر داستانی؛ دیالوگ و مکالمه به اندازه لازم نیاز دارد، در حالی که در رمان «احضاریه» این قاعده در بخش‌های زیادی از اثر به هم خورده است. دیالوگ تعریف و ویژگی‌های خاص خود را دارد. بیشترین قسمت‌های کتاب اخیر مؤذنی را مکالمه تشکیل می‌دهد. و سه ویژگی دیالوگ که به مخاطب اطلاعات بدهد، شخصیت را معرفی کند و لحن او را نشان دهد، کمتر دیده می‌شود. لحن شخصیت‌های مسعود، عارفه، حاج ناصر و حتی امام حسین(ع) در این رمان، به هم نزدیک است. وقتی نویسنده درباره تاریخ و چیزی که قبلاً اتفاق افتاده حرف می‌زند و این فرم را انتخاب کرده، دو جریان را موازی پیش می‌برد. ساده‌سازی بیش از حد مکالمه هم از دیگر ویژگی‌های این اثر است.

ظرفیت روایی دیگری که در این داستان از آن بهره گرفته شده، استعاره سفر و داستان است که در ادبیات داستانی تکنیک تأثیرگذاری محسوب می‌شود. به این دلیل که خواننده با یک داستان خسته نمی‌شود. در کنار داستان اصلی مؤذنی که مربوط به مسعود و عارفه و کربلاست، ماجرای حضرت زینب(س) و عاشورا هم مطرح می‌شود. این پیوند روایی به داستان گره و داستان به کمک روایت تاریخی آمده و در بازسازی یک روایت تاریخی در قالب بخشی از یک داستان امروزی نسبتاً موفق عمل کرده

است و نوعی دوگانگی در زبان این رمان ایجاد کرده است. نویسنده برای فصل دوم زبانی را انتخاب کرده که در بسیاری موارد زبان بسیار سنگین و ثقیل و مربوط به قرن‌های اولیه تاریخ اسلام است؛ در حالی که در فصل‌های دیگر که به زمان حال مربوط است، زبان تقریباً ساده و گزارش‌گونه‌ای به کار گرفته شده که البته با حال و هوای آن فصل همخوانی لازم را دارد. متن داستان مؤذنی بیشتر مکالمه است تا دیالوگ و این نکته را نباید فراموش کرد که داستان به هر دو عناصر داستانی؛ دیالوگ و مکالمه به اندازه لازم نیاز دارد، در حالی که در رمان «احضاریه» این قاعده در بخش‌های زیادی از اثر به هم خورده است. دیالوگ تعریف و ویژگی‌های خاص خود را دارد. بیشترین قسمت‌های کتاب اخیر مؤذنی را مکالمه تشکیل می‌دهد. و سه ویژگی دیالوگ که به مخاطب اطلاعات بدهد، شخصیت را معرفی کند و لحن او را نشان دهد، کمتر دیده می‌شود. لحن شخصیت‌های مسعود، عارفه، حاج ناصر و حتی امام حسین(ع) در این رمان، به هم نزدیک است. وقتی نویسنده درباره تاریخ و چیزی که قبلاً اتفاق افتاده حرف می‌زند و این فرم را انتخاب کرده، دو جریان را موازی پیش می‌برد. ساده‌سازی بیش از حد مکالمه هم از دیگر ویژگی‌های این اثر است.

ظرفیت روایی دیگری که در این داستان از آن بهره گرفته شده، استعاره سفر و داستان است که در ادبیات داستانی تکنیک تأثیرگذاری محسوب می‌شود. به این دلیل که خواننده با یک داستان خسته نمی‌شود. در کنار داستان اصلی مؤذنی که مربوط به مسعود و عارفه و کربلاست، ماجرای حضرت زینب(س) و عاشورا هم مطرح می‌شود. این پیوند روایی به داستان گره و داستان به کمک روایت تاریخی آمده و در بازسازی یک روایت تاریخی در قالب بخشی از یک داستان امروزی نسبتاً موفق عمل کرده

است و نوعی دوگانگی در زبان این رمان ایجاد کرده است. نویسنده برای فصل دوم زبانی را انتخاب کرده که در بسیاری موارد زبان بسیار سنگین و ثقیل و مربوط به قرن‌های اولیه تاریخ اسلام است؛ در حالی که در فصل‌های دیگر که به زمان حال مربوط است، زبان تقریباً ساده و گزارش‌گونه‌ای به کار گرفته شده که البته با حال و هوای آن فصل همخوانی لازم را دارد. متن داستان مؤذنی بیشتر مکالمه است تا دیالوگ و این نکته را نباید فراموش کرد که داستان به هر دو عناصر داستانی؛ دیالوگ و مکالمه به اندازه لازم نیاز دارد، در حالی که در رمان «احضاریه» این قاعده در بخش‌های زیادی از اثر به هم خورده است. دیالوگ تعریف و ویژگی‌های خاص خود را دارد. بیشترین قسمت‌های کتاب اخیر مؤذنی را مکالمه تشکیل می‌دهد. و سه ویژگی دیالوگ که به مخاطب اطلاعات بدهد، شخصیت را معرفی کند و لحن او را نشان دهد، کمتر دیده می‌شود. لحن شخصیت‌های مسعود، عارفه، حاج ناصر و حتی امام حسین(ع) در این رمان، به هم نزدیک است. وقتی نویسنده درباره تاریخ و چیزی که قبلاً اتفاق افتاده حرف می‌زند و این فرم را انتخاب کرده، دو جریان را موازی پیش می‌برد. ساده‌سازی بیش از حد مکالمه هم از دیگر ویژگی‌های این اثر است.

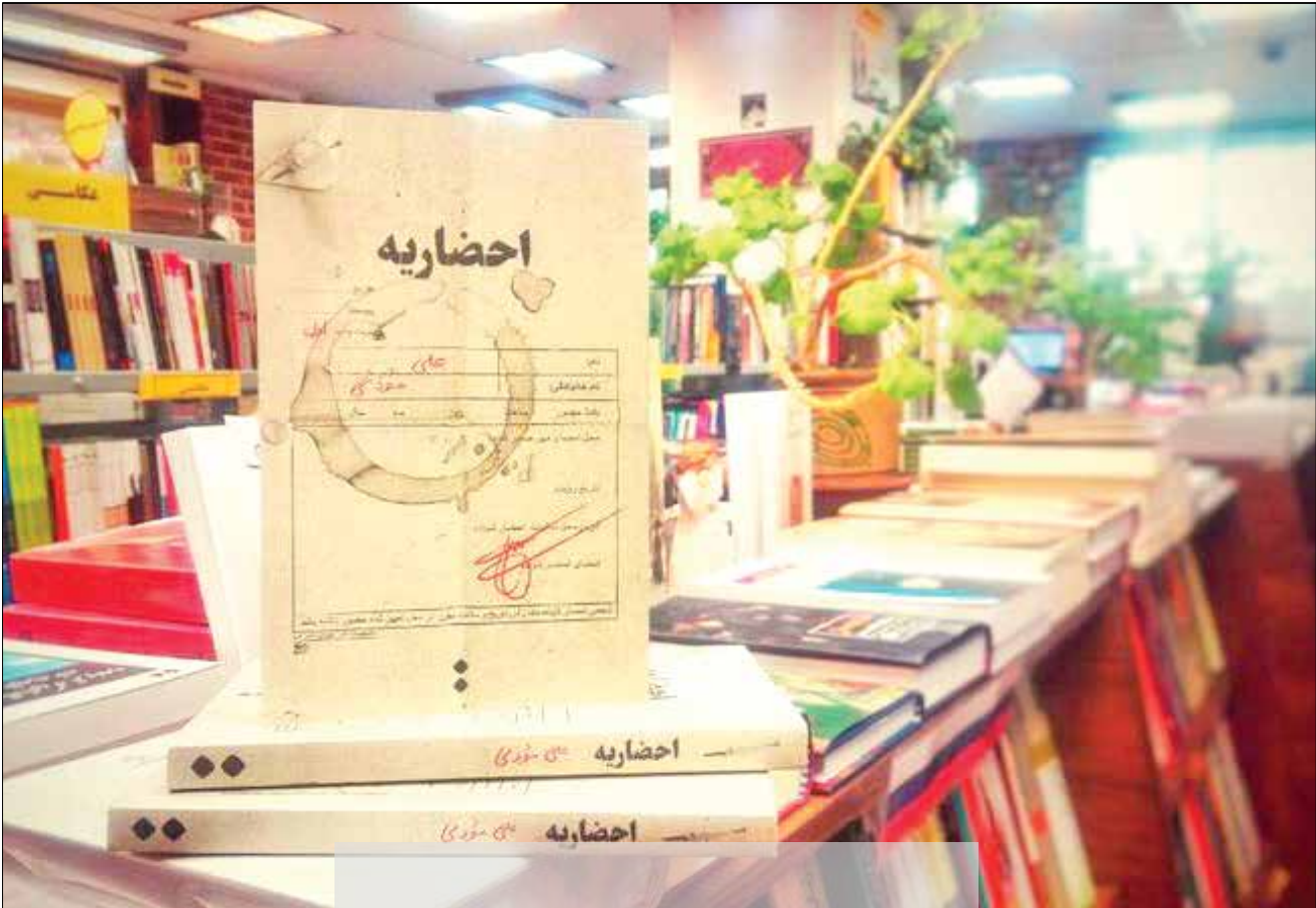


کرده نگاهی به چرایی عواملی داشته باشد که در نهایت عاشورا را رقم می‌زند؛ در آخر نکته‌ای هم درباره عنوان رمان بگویم، «نامیرا» ریشه در مفهوم «کل يوم عاشورا و کل ارض کربلا» دارد؛ مفهومی برآمده از پیوسته سرزمین کربلا که به اندازه کل زمین به خلق اثری بزند که مخاطب پایان آن را می‌داند، کاری که به مراتب شیوه روایت و تألیف را پیچیده‌تر می‌کند. کریم‌ارین رمان را به فرم رئالیستی نوشته و تلاش کرده است برداشت‌های خود را از این واقعه در دنیای تاریخی بازآفرینی کند. همان‌طور که کریم‌ارین با رها در خلال نشست‌های معرفی و نقد این کتاب گفته، او در نامیرا دست به شرح مجدد واقعه کوفه نده بلکه تلاش

خاموش می‌شود، تاریکی در جثه یک خرس وحشی خودش را می‌اندازد روی آدم. آن قدر تاریک است که حتی نمی‌توانی بخواهی. برای خوابیدن این همه تاریکی زیاد است. به هم اتاقم آهان، راستی، هم اتاقم سعید طلبه است، اهل نجف، البته در ایران زندگی می‌کند. دلش از همین حالا برای دخترش پر کشیده. گفتیم: «اجازه می‌دهید چراغ دستشویی را روشن بگذارم؟» خندید و گفت: «بشدت موافقم.»

پس فقط من نیستم که از این خرس گریزانم. پنجه روی او هم کشیده. خوابیدم. واقعاً؟ من خوابم؟ سعید خواب است؟ در همان چهارمتری هستیم. دوخت چسبیده به دیوار. تشکی هم در وسط. نوروی دیوار. پس این چشم‌ها را من دارم با چشمان باز می‌بینم؟ خیره‌اند به من. توهم نیست... (ص ۱۴۱ و ۱۴۲)

فصل چهارم، باز هم روایت مستقیم تاریخی درباره زندگی و شخصیت حضرت زینب(س) است. نویسنده سعی کرده فصل‌های رمان را به شکل یک در میان قرار دهد که ذهن مخاطب به شکل موازی دو روایت مجزا اما مرتبط به هم را دنبال کند؛ روایت‌هایی که یکی در زمان حال است و به زندگی دو شخصیت معاصر، مسعود و عارفه می‌پردازد و یکی در دل تاریخ شیعه قرار دارد و حکایت‌هایی از واقعه کربلا را بیان می‌کند و حضرت زینب(س) قهرمان این بخش از روایت تاریخ است. این هم‌پوشانی روایی اگرچه در بخش‌های مهمی از داستان احضاریه خوش نشسته است اما در همه قسمت‌های رمان به یک اندازه به پیشبرد طرح داستان کمک نمی‌کند. حتی در مواردی از حالت دو بعدی روایی به چندگانگی در روایت می‌رسد که باعث پراکندگی در خرد روایت‌های داستان می‌شود. به بیان دیگر، داستان مؤذنی چند الگوی روایی دارد. یک روایت، ساده و معمولی از زندگی شخصیت‌های امروزی مسعود و عارفه است.



سلیت تبیان

## آشنایی با علی مؤذنی و آثارش

علی مؤذنی متولد سال ۱۳۳۷ در تهران است. لیسانس ادبیات نمایشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران دارد و از جمله نویسندگانی است که کار نوشتن را به شکل حرفه‌ای دنبال می‌کند. او در عرصه‌های داستان کوتاه، رمان، داستان بلند، نمایشنامه و فیلمنامه آثار متعددی نوشته و منتشر کرده است. از مجموعه داستان کوتاه این نویسنده می‌توان به «کلاهی از گیسوی من»، «دلاویزتر از سبز»، «حضور»، «فاصله» و «شعر به انتظار تو» اشاره کرد. در زمینه داستان بلند هم آثاری چون



«کشتی به روایت طوفان»، «دوستی»، «سفر ششم»، «بشارت» به قلم مؤذنی خلق شده است. علی مؤذنی همچنین رمان‌های «نوشدارو»، «نه آبی نه خاکی»، «ملاقات در شب اقبالی»، «ظهور»، «ارتباط ایرانی»، «مأمور»، «خوش نشین»، «دوازدهم» و «آپارتمان روباز» را در کارنامه کاری خود دارد. این نویسنده در زمینه‌های نمایشنامه‌نویسی و فیلمنامه‌نویسی هم فعالیت دارد که تعدادی از آثارش در این دو حوزه تا به حال در قالب کتاب منتشر شده است.

از جمله در بخش نمایشنامه نویسی، کتاب‌های «کیسه بکس»، «هاقل»، «دریایی»، «مفرد مذکر غایب» و «خورشید از سمت غروب» و در بخش فیلمنامه‌نویسی هم کتاب‌های «مسیحایی»، «سریال شب چراغ» (پنج جلد) و «ملیکا» منتشر شده است. در بخش فیلمسازی هم تله فیلم‌های «انتقام»، «هفتاد و سوم تن»، «تفتیش»، «آپارتمان»، «یک پله پایین‌تر» و «یک گوشه پاک و پر نور» توسط علی مؤذنی ساخته شده است. اغلب آثار وی با اقبال منتقدان و مخاطبان روبه‌رو شده و جوایزی را هم کسب کرده است.

روایت دیگر تا حدودی وزین‌تر و نزدیک به ادبیات کهن است که تاریخ زندگی اهل بیت(ع) را بازگو می‌کند. رویکرد دیگری هم در این رمان هست که یادآوری جریان سیال ذهن در داستان‌های مدرن امروزی است. این بخش، فضاهای خیال‌پردازانه و رؤیاهای راوی را پوشش می‌دهد. گونه دیگری از شکل روایی به داستان مؤذنی تحمیل شده که لباس پوشیده آماده رفتن بود. کوله‌اش هم آماده روی تختش بود. هر دو نگاهم می‌کردند. سرم گیج می‌رفت. چشم‌هایم را بستم. زینب



حادثه ۳۶ مدخل را شامل می‌شود که حوادثی همچون آتش زدن خیمه‌ها، بستن آب، تاسوعا، خروج مختار، واقعه حره، در این بخش توصیف شده است. در قسمت اصطلاحات با ۷۹ مدخل، همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، فهرستی از اصطلاحات مرتبط آمده که هم تعبیرها و هم حدیث‌ها و محمد حنفیه که در ماجرای کربلا حضور نداشتند، اما به نوعی با آن مرتبط بودند را هم معرفی کرده است. در قسمت موضوعات و مفاهیم هم ۱۴۶ مدخل آمده که پیش روی خواننده مواردی همچون ادبیات عاشورا، تحریف‌های عاشورا، رمز جاودانگی عاشورا آمده و حتی درباره آن بحث شده است. بخش

## فرهنگنامه‌ای فشرده و آسان خوان درباره عاشورا

رمان‌های برآمده از تاریخ، هرچقدر هم مبتنی بر واقعیت باشند بخش‌هایی عشقانه هم دارد، البته نه آن عشق‌های سبک رمان‌های بازاری! داستان اصلی این رمان درباره دختر پسر جوانی است که برای حمایت از امام حسین(ع) و یزید تردید دارند، هر چند که در نهایت پی به حقایقت امام حسین(ع) می‌برند و... در خلال تشریح این ماجرا شما از اوضاع و احوال مردم کوفه هم باخبر می‌شوید؛ اینکه ابتدا چطور در برابر امام حسین(ع) ظاهر شدند و در نهایت چه اتفاقی رخ داد که خلف وعده کردند و در مقابل او بارش صف کشیدند؛ نکته‌ای که برخی منتقدان ادبی آن را بخش سخت تألیف چنین آثاری می‌دانند این است که نویسنده باید دست به خلق اثری بزند که مخاطب پایان آن را می‌داند، کاری که به مراتب شیوه روایت و تألیف را پیچیده‌تر می‌کند. کریم‌ارین رمان را به فرم رئالیستی نوشته و تلاش کرده است برداشت‌های خود را از این واقعه در دنیای تاریخی بازآفرینی کند. همان‌طور که کریم‌ارین با رها در خلال نشست‌های معرفی و نقد این کتاب گفته، او در نامیرا دست به شرح مجدد واقعه کوفه نده بلکه تلاش

همچنان بود، خیره به من.» (ص ۲۲۰)

یکی از ویژگی‌های تأثیرگذار رمان «احضاریه»، انتخاب هوشمندانه دو شخصیت محوری اثر (مسعود و عارفه) است که به نوعی همسان‌سازی موضوعی با نسبت حضرت امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) به‌عنوان برادر و خواهر راندایی و یادآوری می‌کند. در رمان احضاریه، دو روایت موازی و مرتبط با یکدیگر در کنار هم بیان می‌شود، یکی در زمان حال و پیرامون زندگی راوی اثر (مسعود) و اطرافیان و دیگری در دل تاریخ و درباره زندگی و شخصیت حضرت زینب(س) که در راستای نیاز شخصیت‌های دو روایت امروزی و تاریخی که از نظر زمانی کاملاً با همدیگر تفاوت دارند، به گونه‌ای است که مخاطب اثر این دو روایت را در مقابل هم نمی‌بیند بلکه آنها را مکمل هم و در راستای همان مکاشفه انجام می‌دهد. بعد از آن هم با احضاریه قابل تأمل است، رویکرد نویسنده بر ایجاد فضای شهودی و مکاشفه در داستان است. از ابتدای داستان شخصیت عارفه مکاشفه‌ای می‌بیند و گره افکنی در داستان را همان مکاشفه انجام می‌دهد. بعد از آن هم با خواب و رؤیای صادق می‌بینیم با شخصیتی مانند حاج ناصری حضور دارد که به نوعی نگاه‌های مکاشفه‌ای دارد. بنابراین، بخش قابل تأملی از متن داستان، در فضای شهود و مکاشفه می‌گذرد. در مجموع، خواننده این اثر در پایان، احساس می‌کند علاوه بر مطالعه یک داستان با شرایط امروز جامعه دو موضوع پیاده روی اربعین، یک روایت تاریخی درباره زندگی و شخصیت حضرت زینب(س) را هم به قلم یکی نویسنده‌ای نام‌آشنا در حوزه ادبیات آیینی خوانده و این ویژگی‌های اصلی رمان «احضاریه» است که در یادها می‌ماند.

رمان «احضاریه» نوشته علی مؤذنی در ۲۲۴ صفحه از سوی انتشارات اسم در تهران چاپ و منتشر شده است.